

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّسی طباطبائی نردوی دست برکات

دوره‌ی دوم - سال یازدهم - سال تحصیلی ۹۳-۹۴

جلسه ۸۲ - سه‌شنبه ۹۴/۱/۲۵

نقد شبهه‌ی عدم جریان استصحاب در موضوعات خارجیّه

الف) علی فرض إسناد نقض به یقین بما هو یقین

این کبری را قبول داریم که اعتبار جاعل و معتبر باید دارای اثر باشد، اما همان‌گونه که به نحوی در مباحث گذشته توضیح دادیم، لازم نیست اثر مستقیماً مرتب شود بلکه اگر اثری با واسطه مرتب شد باز در صحت اعتبار کافی است و اعتبار لغو نخواهد بود.

آری حکم فعلی، اثر بالفعل دارد؛ زیرا خود حکم دارای امثال است و لذا وقتی گفته شود یقین به حکم وجود دارد اثر تنجیز و تعذیر بر آن مرتب است، اما حتی حکم کلی (چه رسد به موضوعات) اثر با واسطه دارد. مثلاً استصحاب می‌کنیم: «صلاة الجمعة واجبة حتى في عصر الغيبة»، تا روز جمعه نیامده اثری بر این حکم کلی مرتب نیست با این حال می‌توان آن را استصحاب کرد؛ زیرا وقتی موضوع محقق شد و حکم فعلی گردید اثر بر آن مرتب می‌شود. بنابراین خود حکم بما هو حکم کلی دارای اثر نیست، با این حال آن را استصحاب می‌کنیم.

إن قلت: حکم کلی دارای اثر است و آن، جواز إخبار و إستناد بدان است.

قلت: جواز إخبار و استناد، احکام این حکم محسوب می‌شود نه اثر وجوب صلاة جمعه بما هو وجوب صلاة الجمعة. وقتی گفته می‌شود «جایز است از این حکم خبر داده شود» این حکم خودش موضوع شده است.^۱ موضوع خارجی محضه‌ی غیر مجعول نیز این چنین است؛ یعنی ولو مستقیماً اثر ندارد اما همان‌طور که

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر رجوع شود به مقالات فقهی (۴) بررسی گسترده‌ی فقهی کذب، ص ۳۶۴. (امیرخانی)

یقین وجدانی به موضوع، ملازم یقین وجدانی به حکم است، یقین اعتباری نیز که تنزیلاً تمام آثار یقین تکوینی را دارد ملازمه با یقین به حکم آن خواهد داشت و در نتیجه حکم موضوع خارجی منجز می‌شود. بنابراین همین اندازه که موضوع بالواسطه دارای اثر است، کافی است در اینکه استصحاب آن صحیح باشد و فرض آن است که اطلاق ادله‌ی استصحاب شامل موضوعات نیز می‌شود. نتیجه آنکه علی فرض تعلق نقض به یقین بما هو یقین، این اشکال وارد نیست و مانعی از استصحاب موضوع نیست.

ب) علی فرض إسناد نقض به یقین مرآة للمتیقن

اما اگر گفته شود «لاتنقض» حقیقتاً به متیقن تعلق گرفته و یقین پل محض باشد، در اشکال بیان شد که محذور مجاز در تقدیر یا مجاز در إسناد پدید می‌آید. و لکن به نظر ما این بیان از جهات مختلف دارای اشکال است که خلاصه‌ی آن چنین است:

درست است که شارع بما هو شارع نمی‌تواند در تکوین تصرف کند اما می‌تواند مشابه تکوین را اعتبار کند و مانعی از این عمل وجود ندارد. فرض کنید اگر در تکوین آثاری بر شیء مترتب باشد شارع می‌تواند بگوید من آن آثار را بر فرد اعتباری شیء نیز مترتب می‌کنم.

مثلاً ما بر دست خود تسلط داریم، حال شارع می‌تواند بگوید همان نسبتی که شما با دست خود دارید (ملکیت حقیقیه) مثل همان نسبت را برای تو و قطعه زمینی اعتبار می‌کنم و هیچ مانعی در این اعتبار وجود ندارد و در نتیجه همان‌گونه که دیگران تسلطی بر دست من ندارند، بر این قطعه زمین یا خانه که در تسلط من اعتبار شده است نیز نمی‌توانند تصرف و تسلطی داشته باشند.

حال فرض کنید یک امر خارجی مثل آب، متیقن بوده است و اکنون مانعی باعث شده ندانیم آیا آن آب وجود دارد یا خیر؟ شارع می‌تواند بفرماید مثل آب سابق در همهی آثار یا در بعض آثار، مفروض البقاء است و این اعتبار مانعی ندارد. پس حتی اگر نهی از نقض را متعلق به متیقن بدانیم ادله‌ی استصحاب می‌تواند شامل موضوعات خارجی محضه نیز بشود.

إن قلت: ممکن است گفته شود موضوع فقط در صورتی که دارای حکم و اثر باشد می‌توان آن را استصحاب کرد و لازمه‌اش آن است که اگر موضوعی حدوداً دارای اثر شرعی نباشد اما بقاءً دارای اثر باشد نتوانیم آن را استصحاب کنیم؛ زیرا در هنگام حدویش که متیقن بود فاقد اثر بود و فقط در بقائش اثر دارد، لذا شرط مذکور که باید مستصحب دارای اثر باشد در چنین موردی مفقود است.

قلت: می‌توان گفت همین اندازه که بقاء اثر دارد برای خروج از لغویت کافی است و استصحاب در آن جاری است.

نتیجه آنکه استصحاب در شبهات موضوعیه مطلقاً جاری است.

تبصرة: مرحوم آخوند مطلبی را در اینجا و جاهای دیگر ذکر کرده‌اند که مناسب است بدان اشاره کنیم.

سخن مرحوم آخوند در تفسیر استصحاب به «ایجاد حکم مماثل»^۱

اگر مستصحاب، حکم شرعی باشد مانند وجوب نماز جمعه، مطهریت ماء و ...، به دلیل استصحاب، حکمی مماثل حکم سابق متیقن، در زمان شک جعل می‌شود و استصحاب یعنی جعل حکمی مماثل حکم سابق متیقن.

و اگر مستصحاب، موضوع باشد استصحاب موضوع به این معناست که حکمی مماثل حکمی که بر موضوع متیقن مترتب می‌شود، عند الشک جعل می‌شود.

بنابراین در نظر آخوند رحمته الله استصحاب یعنی جعل حکم مماثل یا جعل حکم مماثل حکم موضوع.

نقد فرمایش مرحوم آخوند

از کدام قسمت عبارت «لاتنقض اليقين ابداً بالشك» جعل حکم مماثل را استنباط می‌نمایید؟! حجیت استصحاب در گرو فرض جعل حکم نیست و همان‌گونه که استظهار کردیم، دلیل «لاتنقض» بیان می‌کند: ای شاک، خودت را مانند متیقن وجدانی فرض نما؛ یعنی شاک در اعتبار شارع دارای یقین است. اگر کسی یقین تکوینی داشت چه آثاری دارد؟ جز انکشاف واقع و تنجیز و تعذیر، اثر دیگری ندارد. ولی در استصحاب، اثر کاشفیت را بر یقین اعتباری مترتب نمی‌کنیم بلکه فقط می‌خواهیم اثر منجزیت و معذرت را به آن بدهیم؛ زیرا اثر کاشفیت با فرض شک سازگاری ندارد. بنابراین یقین اعتباری منجزیت و معذرت می‌آورد، نه اینکه حکم جدیدی بیاورد. به تعبیر دیگر، اگر فی الواقع آن حکم مشکوک موجود باشد و

۱. کفایة الأصول (ط - آل البيت علیهم السلام)، ص ۳۹۲:

... فإنه يقال إنما يلزم لو كان اليقين ملحوظا بنفسه و بالنظر الاستقلالی لا ما إذا كان ملحوظا بنحو المرآتية بالنظر الآلی كما هو الظاهر في مثل قضية: (لا تنقض اليقين) حيث تكون ظاهرة عرفا في أنها كناية عن لزوم البناء و العمل بالتزام حکم مماثل للمتیقن تعبدا إذا كان حکما و لحكمه إذا كان موضوعا ...

✓ همان، ص ۴۱۴:

لا شبهة في أن قضية أخبار الباب هو إنشاء حکم مماثل للمستصحاب في استصحاب الأحكام و لأحكامه في استصحاب الموضوعات ...

استصحاب مطابق آن باشد، آن حکم مشکوک منجز خواهد بود و در صورتی که استصحاب، مخالف آن حکم باشد استصحاب معذّر ما خواهد بود.

پس استصحاب یعنی منجز و معذّر بودن نسبت به واقع البته از طریق اعتبار یقین، نه اینکه استصحاب به معنای جعل حکم مماثل باشد؛ زیرا دالی بر این مطلب وجود ندارد.

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی